

نقش داوری در رفع منازعات خانوادگی

پیشینه اندیشه حل و فصل دعاوی خانوادگی از طریق داوری و نهادهای سازشی بر این منطق تکیه دارد ..



پیشینه اندیشه حل و فصل دعاوی خانوادگی از طریق داوری و نهادهای سازشی بر این منطق تکیه دارد که از آنجایی که ماهیت روابط خانوادگی بر پایه عشق و عاطفه استوار است بنابراین در شأن چنین نهادی نیست که در فرض بروز مسایلی، با این پدیده همانند سایر مرافعات برخورد شود. از طرف دیگر در برخورد با این اختلافات باید نهایت حوصله و سعه صدر را به خرج داد چرا که در صورت شتابزدگی در اتخاذ تصمیمات به ZWNJ و ویژه در موارد حکم به جدایی زوجین، چنان آثار سوئی به دنبال خواهد داشت که چه ZWNJ بسا جبران آن در آینده غیرممکن باشد. به ZWNJ علاوه با توجه به اینکه خانواده رکن اساسی جامعه را تشکیل می ZWNJ دهد و مورد حمایت عمیق قانون اساسی قرار دارد، با هدف تأمین سلامت جسمی و روحی اعضای آن بالاخص طفل و مادر، بهره ZWNJ گیری از نهاد میانجی ZWNJ گری در پی ZWNJ ریزی قوانین جاری دارای اهمیت بسزایی است.

به گزارش لاگو؛ تابناک راگو؛ از آنجایی که قواعد حوزه خانواده با مسایل مذهبی و اخلاقی ارتباط تنگاتنگ دارد، لذا حقوق خانواده از مهمترین بخش ZWNJ های حقوق مدنی ایران است که اکثریت قواعد مربوط به آن از فقه اسلامی منشا گرفته است.

این امر از آن جهت اهمیت دارد که قواعد و مقررات آن با زندگی شخصی و خصوصی هر فرد جامعه پیوند ناگسستنی دارد.

یعنی هیچ فردی از اعضای جامعه وجود نخواهد داشت که به نحوی از قواعد و اصول حاکم بر حقوق خانواده متأثر نباشد.

از جمله مسایلی که در وضعیت فعلی نیاز به واکاوی دارد، این است که در بسیاری از موارد در حل و فصل اختلافات خانوادگی، به ZWNJ جای بهره ZWNJ گیری از سنت حسنه رجوع به بزرگان خیره فامیل، مراجعه به محاکم مرسوم شده است.

این در حالی است که خداوند در قرآن کریم می فرماید: لاگو؛ اگر از جدایی و شکاف میان آن دو بیم داشته باشید، داوری از خانواده شوهر و داوری از خانواده زن برگزینید تا به کار آنها رسیدگی کنند. اگر این دو داور تصمیم به اصلاح داشته باشند، خداوند به توافق آنها کمک می ZWNJ کند؛ زیرا خداوند دانا و آگاه است. راگو؛

بنابراین خداوند برای از بین بردن اختلافات فیما بین همسران فرمان داده است داورانی از دو سو برگزیده شوند و آن دو با همفکری یکدیگر، به نزاع پایان دهند.

در تحلیل این موضوع می ZWNJ توان بیان کرد که احکام آمرانه دادگاه ZWNJ ها هرگز نمی ZWNJ تواند نقش سازنده ZWNJ ای در ایجاد صلح و سازش و فیصله دادن به دعاوی ایفا کند.

به همین جهت است که بر خلاف اینکه یکی از شرایط صلاحیت، بی ZWNJ طرفی داور در سایر مسایل اختلافی و عدم نسبت با طرفین منازعه است اما بنا به رهنمود کلام وحی که اشاره شد، مسایل زوجین باید از راه گفت ZWNJ وگوهای درون فامیلی حل و فصل شود.

به علاوه از آنجایی که داوران خانوادگی در سود و زیان آشتی و فراق زوجین شریک هستند، با خیرخواهی بیشتری ورود پیدا می ZWNJ کنند و بنابراین مساعی و تلاش خود را به ZWNJ گونه ای مصروف می ZWNJ دارند که اختلافات زوجین به آشتی منتهی شود.

اما مراجعه کوتاهی به محاکم خانواده حکایت از بی ZWNJ تفاوتی برخی از داوران و رفع تکلیف از مأموریت اداری محوله به آنان دارد.

این نکته نشانگر این است که همگان در برابر مشکلات خانوادگی دیگران مسئولیت دارند و باید در راه حفظ این کانون مقدس احساس تکلیف کنند زیرا اصلاح کار مؤمن، از مصادیق روشن تعاون، نیکی و احسان و از موارد امر به معروف و نهی از منکر است.

یکی از مقررره‌ها و قوانین جدید حمایت خانواده، ارجاع طرفین به نهادها و مراکز مشاوره است. دلیل این امر آن است که با تشکیل مراکز یادشده اختلافات خانوادگی چه بسا ممکن است در این مراکز حل و فصل شوند.

البته پیش از این قرار بود صرفاً زوجین متقاضی طلاق توافقی، به این مراکز مراجعه کنند اما اکنون قاضی می‌تواند زوجین را به این مراکز ارجاع دهد البته در طلاق توافقی، الزاماً مراجعه به نهادها و مراکز مشاوره باید قبل از صدور حکم صورت گیرد.

تشریفات ارجاع دعوا به داوری در محاکم خانواده

با ارجاع پرونده به شعبه و ای از دادگاه‌های خانواده، این مرجع وقت رسیدگی تعیین می‌کند. در ابتدا قاضی دادگاه توضیحاتی را از طرفین دعوا می‌خواهد.

سپس قرار ارجاع امر به داوری را صادر و به طرفین ابلاغ می‌کند که طرفین داوران اختصاصی خود را در مهلت تعیین شده انتخاب کنند.

مطابق قانون جدید حمایت خانواده، پس از صدور قرار ارجاع امر به داوری، هر یک از زوجین مکلفند ظرف یک هفته از تاریخ ابلاغ، یک نفر از اقارب متأهل خود را که حداقل 30 سال داشته و آشنا به مسایل شرعی، خانوادگی و اجتماعی باشد، به عنوان داور به دادگاه معرفی کنند.

منطق حکم می‌کند که زوجین داوران را از میان اقوام خود انتخاب کنند زیرا این داوران به وضعیت زندگی طرفین بیشتر واقف بوده و بیشتر در جریان زندگی آنها هستند.

بر عکس داوری در دعاوی حقوقی که داوران نباید با طرفین نسبتی داشته باشند، در دعاوی خانوادگی گفته می‌شود «لا یقبلون من أهلها»؛ یعنی از بین خانواده هر کدام از زن و مرد، حکم تعیین شود.

این افراد برای اصلاح بین زن و شوهر، با آنها مذاکره و صحبت می‌کنند. در قانون حمایت خانواده نیز پیش‌بینی شده است که داوران لااقل باید در مدت تعیین شده از طرف دادگاه، طرفین را احضار و با آنها صحبت کنند؛ به این امید که دعاوی زوجین به سازش خاتمه پیدا کند.

مواردی که زوجین داوری معرفی نکنند

در اینجا پرسشی مطرح می‌شود، مبنی بر اینکه در صورتی که زوجین داوری نداشته باشند یا ادعا کنند که کسی را به عنوان داور نمی‌شناسند، تکلیف چیست؟

در پاسخ باید گفت در این شرایط دادگاه به جای طرفین می‌تواند داور تعیین کند. زمانی که داور انتخاب شد، به وی ابلاغ می‌شود که شما به داوری منصوب شدید. سپس در پی اعلام قبولی از سوی داور، وی به عنوان داور معرفی می‌شود.

حال اگر بین آنها اصلاحی واقع نشد، یکی از داوران یا هر دوی آنها نظر می‌دهند که زن و شوهر نمی‌توانند در کنار هم قرار گیرند و با هم زندگی کنند.

آیا قاضی ملزم به تبعیت از نظر داور است؟

پرسش دیگری که در اینجا مطرح می‌شود، این است که آیا قاضی در پذیرش نظر داور، ملزم به تبعیت است؟ در پاسخ باید گفت اگر داوران نظر دهند که زوجین می‌توانند با هم زندگی کنند یا برعکس، در هر حال ترتیب اثر دادن به این نظریه برای قاضی دادگاه الزامی نیست.

یعنی نظر داوران ماهیتاً حکم تلقی نمی‌شود بلکه یک نظر کارشناسی است که به دادگاه اعلام می‌کنند. به عبارت دیگر قاضی اجباری ندارد نظریه داوران را به صورت رأی در آورد. ارجاع امر به داوران بیشتر جنبه سازشی داشته و داوران نمی‌توانند حکم به طلاق یا ادامه زندگی دهند. تنها اگر طرفین سازش

کنند و صورت جلسه تنظیم شود، دادگاه به آن ترتیب اثر داده و پرونده را مختومه اعلام خواهد کرد. در هر حال دادگاه با تحقیقاتی که مجدداً از طرفین دعوا می‌کند و نیز با توجه به مدارک و دلایل ابرازی، تصمیم نهایی مبنی بر اینکه آیا طرفین دعوا توانایی زندگی با یکدیگر را دارند یا خیر، اتخاذ می‌کند. بدیهی است در صورتی که دادگاه احراز کند ادامه زندگی میسر نیست، حکمی در قالب گواهی عدم امکان سازش صادر می‌کند.

شوراهای حل اختلاف ویژه خانواده

با هدف ایجاد صلح و سازش در دعاوی مدنی و به [موجب قوانین جاری یکی از مراجع قضایی رسیدگی](#)؛کننده به دعاوی خانوادگی، شوراهای حل اختلاف است.

در این راستا دادخواست [های که از سوی زوجین در مورد مشکلات خانوادگی، به ویژه تقاضای طلاق به دادگاه](#)؛ها ارایه می [شود](#)، از سوی مراجع مذکور، ابتدا به شوراهای حل اختلاف ارجاع می [شود](#) تا در صورت امکان با دعوت از طرفین و مذاکره با آنان موضوع به صورت مسالمت [آمیز و از طریق کدخدانمنشی حل و فصل شده و نیازی به حکم دادگاه نباشد](#). در صورت عدم حصول سازش، پرونده مجدداً جهت طی مراحل قانونی به دادگاه اعاده می [شود](#).

از جمله محاسن رسیدگی در شوراهای حل اختلاف می [توان به کاهش مراجعات مردم به محاکم قضایی، رفع اختلافات خانوادگی از طریق سازش، جلوگیری از تطویل دادرسی، عدم رعایت تشریفات آیین دادرسی و حفظ شخصیت ارباب رجوع اشاره کرد](#).

چگونگی رسیدگی در شوراها بدین ترتیب است که پس از ارجاع پرونده اقداماتی از قبیل احضار طرفین برای مذاکره و تلاش برای حل و فصل موضوع و مختومه کردن پرونده به صلح و سازش و سایر اقدامات قانونی را به عمل می [آورند و در نهایت اقدام به صدور قرار، گزارش اصلاحی یا رأی می](#)؛شود.

در صورت عدم حصول سازش، چنانچه موضوع در صلاحیت شورا باشد قاضی شورا پس از مشورت با اعضای شورا و اخذ نظریه کتبی آنها رأی مقتضی صادر می [کند و در این صورت تنها نظر قاضی ملاک اخذ تصمیم و صدور رأی است](#).